

واکاوی ساختار «وَدَّ» و «لَوَّ» در قرآن و بررسی چگونگی ترجمه آن در ترجمه‌های فارسی قرآن*

رسول محمدجعفری^۱

حسین محقق^۲

چکیده

یکی از خدمات مهمی که قرآن پژوهان از دیرباز و به‌ویژه، در دوره معاصر در آستانه قرآن ارائه کرده‌اند، سعی بر ترجمه آیات قرآن جهت فهم همگانی است. به رغم همه این تلاش‌ها، گاه به دلیل کم‌توجهی به قواعد ادبی، در ترجمه‌ها لغزش‌هایی پدیدار گردیده است. از جمله، ترجمه ساختار «وَدَّ» و «لَوَّ» - که در دوازده موضع قرآن به کار رفته‌اند - است. بنابراین ادبی-قرآنی، «لَوَّ» در این ساختار، مصدریه بوده و با صله‌اش به تأویل مصدر رفته و مفعول به برای فعل «وَدَّ» است و طبق قول بسیاری از لغت‌نامه‌های معتبر عربی آنچه که در ساختار فعل «وَدَّ» و «لَوَّ» معنای تمنی می‌دهد فعل «وَدَّ» و نه «لَوَّ» است. بررسی سیزده ترجمه مشهور قرآن، نشان داده که ترجمه‌ها غالباً یا برای «وَدَّ» معادل‌یابی ناصوابی داشته و با تعابیری چون: «دوست دارد» و «خوش دارد» به خطا رفته‌اند و یا در ترجمه «لَوَّ» با تعابیری چون: «ای کاش» و «کاش» و حرف ربطی «که»، لغزش داشته‌اند و یا همزمان در ترجمه هر دو واژه «وَدَّ» و «لَوَّ» اشتباه کرده‌اند. در ترجمه این دوازده آیه؛ رضایی پنج بار ترجمه صحیح، مکارم چهار نوبت ترجمه صحیح، حداد عادل دو بار ترجمه صحیح، صفارزاده و قمشه‌ای نیز هر کدام یک نوبت، ترجمه صحیح ارائه کرده‌اند.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، لغزش‌های مترجمان، «وَدَّ»، «لَوَّ».

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) / rasulmohamadjafari@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی / hosein.mohagheghi@chmail.ir

۱- مقدمه

در آثار عالمان عربی‌پژوه کهن از دشواری و حساسیت ترجمه قرآن سخن به میان آمده است. بر اساس برخی شواهد موجود، عظمت و گستردگی قرآن از یکسو و حساسیت و دشواری ترجمه آن از سوی دیگر، سبب شده بود تا نیمه نخست سده چهارم هجری کسی به ترجمه قرآن اقدام نکند و از محال بودن آن سخن بگویند. برای نمونه، بر اساس گزارش شاطبی (م. ۷۹۰ ق)، ابن‌قتیبه دینوری (م. ۲۷۶ ق) عدم امکان ترجمه قرآن را باور داشت (شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۷)، البته، این به معنای غیر قابل انتقال بودن این زبان به زبان‌های دیگر نیست، زیرا در این صورت بسیاری از غیر عربی‌دانان از ویژگی «ذکر» قرآن بهره‌ای نخواهند برد، بدان جهت که غالب مردم از دانش کافی برای فهم عمیق قرآن بی‌بهره هستند و تحقق ویژگی یادشده در پرتو ارائه ترجمه‌ای صحیح، سلیس و روان از قرآن خواهد بود. لذا قرآن‌پژوهان فرزانه از دیرباز در این خصوص همت گماشته و اقدامات ارزنده‌ای داشته‌اند، با این حال در ترجمه‌های خود کم‌وبیش لغزش‌هایی داشته‌اند. علت این لغزش‌ها دشواری امر ترجمه (به ویژه ترجمه قرآن) است، چراکه لازمه این مهم، آگاهی همه‌جانبه از قواعد و مسائل مربوط به دو زبان مبدأ و مقصد است و احراز چنین قابلیت‌هایی، زحمت و زمان بسیاری می‌طلبد. درباره ظرافت و حساسیت ترجمه قرآن سخن بسیار است و عالمان از ابعاد مختلف بدان پرداخته‌اند (برای نمونه ر. ک: معرفت، ۱۴۲۵، ج ۱، صص ۱۰۲-۱۰۴ و ۱۴۳۲، ج ۹، ص ۱۰۲).

جا حظ از نخستین کسانی بود که به مطالعه ترجمه به عنوان یک موضوع پرداخت و مشکلات و دشواری‌های ترجمه متون مختلف از جمله متون دینی همچون قرآن و نیز شرایط مترجم را مطرح کرد (برای آگاهی بیشتر ر. ک: جا حظ، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۷۵-۷۹). ترجمه‌پژوهان برای پدیدار شدن ترجمه قرآن، فرایندهایی بیان داشته‌اند که در بستر آن‌ها ترجمه موفق‌تری از آیات ارائه خواهد گردید. این فرایندها عبارتند از: ۱- تحلیل واژگانی متن مبدأ، ۲- تحلیل آوایی و دستوری متن مبدأ، ۳- فهم مراد واقعی آیات قرآن، ۴- برابری واژگانی، دستوری و ایجاد تعادل، ۵- ایجاد تعادل در سبک، ۶- یکسان‌سازی در ترجمه، ۷- ویرایش، ارزیابی و کنترل نهایی ترجمه (جوهری، ۱۳۹۳، صص ۱۸۲-۱۸۵).

از جمله ساختارهایی که در قرآن، دوازده بار به کار رفته ساختار «وَدَّ» و «لَو» است و مترجمان ترجمه‌های متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. با بررسی سیزده ترجمه مشهور قرآن به نظر می‌رسد که آن‌ها خواه در تحلیل واژگانی متن مبدأ، خواه تحلیل آوایی و دستوری متن مبدأ^۲ و خواه در برابری واژگانی،

۱. مراد تحلیل واژگان متن مبدأ و شناخت صرفی، نحوی، بلاغی و آوایی آن‌هاست (جوهری، ۱۳۹۳، صص ۱۶۱ و ۱۸۲).

۲. پس از واژه‌شناسی لازم است متن از نظر آوایی و دستوری به دقت تحلیل شود و بلاغت موجود در بُعد آوایی و نکات و ظرایف صرفی و نحوی استخراج گردد تا در برابری نزدیک‌ترین برابر انتخاب شود (همان، صص ۱۸۳-۱۸۴).

دستوری و ایجاد تعادل^۱ نوعاً به لغزش دچار شده‌اند. این لغزش گاه، در تحلیل و معادل‌یابی واژه «وَدَّ» و گاه، در تحلیل دستوری و برابریابی واژه «لَوَّ» دیده می‌شود.

با بررسی‌های به عمل آمده، سه پژوهش مرتبط با «لَوَّ» یافت گردید: شفیع‌ی (۱۳۸۱ش) در مقاله «نگاهی به چند ترجمه از «لَوَّ» در قرآن مجید» ضمن بیان انواع «لَوَّ» از نظر ترکیب نحوی، به بررسی چهار ترجمه فولادوند، خرمشاهی، طبری و کشف الأسرار در ترجمه انواع «لَوَّ» پرداخته است. قائمی و قتالی (۱۳۹۲ش) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار نحوی - بلاغی حرف «لَوَّ» و کاربرد آن در قرآن کریم»، ساختارهای مختلف حرف «لَوَّ» و معانی و دلالت‌های نحوی و بلاغی آن را در قرآن کریم بررسی و طبقه‌بندی کرده‌اند تا از این طریق بخشی از زیبایی‌های بلاغی قرآن کریم درباره «لَوَّ» به تصویر کشیده شود. کهندل جهرمی و آبدانان مهدیزاده (۱۳۹۳ش) در مقاله «گذری بر معنی‌شناسی اسلوب تمنی در قرآن کریم» به بررسی اسلوب تمنی در قرآن پرداخته و اغراض بلاغی که در حروف تمنی (لیت، لعل، هل و لو) به کار رفته را بررسی کرده‌اند. در مقاله اول، نویسنده چندان نگاه نقادانه به ترجمه‌ها نداشته است و در دو مقاله بعدی نیز تمرکز پژوهش بر مباحث بلاغی است و اسلوب «وَدَّ» و «لَوَّ» و کیفیت ترجمه آن را مورد تحقیق قرار نداده‌اند.

به نظر می‌رسد تاکنون تحقیقی به بررسی ساختار «وَدَّ» و «لَوَّ» در قرآن نپرداخته است. لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این دو سؤال است: ۱- تحلیل ساختار «وَدَّ» و «لَوَّ» در قرآن چگونه است؟ ۲- ترجمه ساختار «وَدَّ» و «لَوَّ» در ترجمه‌های فارسی قرآن چگونه است؟

برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، ابتدا اقسام «لَوَّ» با بهره‌گیری از کتب معتبر ادبی بررسی گردیده، آن گاه از «لَوَّ» مصدريه در قرآن سخن رفته و با استفاده از قواعد مسلم نحوی و آیات قرآنی، چگونگی کاربست این «لَوَّ» در قرآن مورد بحث قرار گرفته است و سپس، به بررسی ترجمه‌های قرآنی (سیزده ترجمه مشهور) از «وَدَّ» و «لَوَّ» مصدريه پرداخته شده است.

۲- اقسام «لَوَّ»

ابن هشام «لَوَّ» را بر پنج قسم دانسته است:

- ۱- «لَوَّ» به کار رفته در مثال «لَوَّ جَاءَنِي لَا كَرْمُتُهُ» که افاده سه مطلب می‌کند: الف) شرط، ب) تقیید شرط به زمان ماضی و ج) امتناع (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۲۵۵-۲۶۷).
- ۲- حرف شرط برای مستقبل که مجزوم نمی‌کند، مانند:

۱. پس از کالبدشکافی واژگانی و دستوری متن مبدأ انتقال ساختارهای دستوری مبدأ به قالب‌های مناسب زبان مقصد با توجه به نوع ترجمه است (همان، صص ۱۷۰ و ۱۸۴).

وَلَوْ تَلَوْتَنِي أَصْدَاؤُنَا بَعْدَ مَوْتِنَا
وَمِنْ دُونِ رَمْسِينَا مِنَ الْأَرْضِ سَبَسْبُ
لَظَلَّ صَدَى صَوْتِي وَإِنْ كُنْتُ رِمَّةً
لِصَوْتِ صَدَى لَيْلَى يَهْشُ وَيَطْرَبُ

۳- حرف مصدری به منزله «آن» ولی منصوب نمی‌کند و غالباً بعد از فعل «وَدَّ- يَوُدُّ» می‌آید، مانند: ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم: ۹/۶۸) و ﴿يَوُدُّ أَحَدَهُمْ لَوْ يَعْمَرُ﴾ (بقره: ۹۶/۲) که تقدیر آن: «يَوُدُّ أَحَدَهُمُ التَّعْمِيرَ» است.

۴- «لَوْ» در معنای تمنی، مانند: «لَوْ تَأْتِينِي فَتُحَدِّثْنِي».

۵- «لَوْ» در معنای عرض، مانند: «لَوْ تَنْزِلُ عِنْدَنَا فَتُصِيبَ خَيْرًا».

گفتنی است ابن هشام از برخی چون ابن هشام لخمی نقل کرده است که «لَوْ» در معنای تقلیل نیز به کار رفته است، مانند آیه: ﴿وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ﴾ (نساء: ۱۳۵/۴)، اما وی این معنا را نمی‌پذیرد (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۷).

سیوطی «لَوْ» را چهار قسم دانسته است:

شرطیه امتناعیه، مانند آیات: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ﴾ (انعام: ۱۱۲/۶) و ﴿لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا﴾ (واقعه: ۶۵/۵۶).

۲- مصدریه که می‌توان به جایش «آن» قرار داد و معمولاً بعد از فعل «يَوُدُّ» و مشتقات آن می‌آید، مانند: ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ﴾ (بقره: ۱۰۹/۲)، ﴿يَوُدُّ أَحَدَهُمْ لَوْ يَعْمَرُ﴾ (بقره: ۹۶/۲).

۳- حرف تمنی که می‌توان به جای آن «لَيْتَ» قرار داد مانند: ﴿فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً﴾ (شعراء: ۱۰۲/۲۶).

۴- حرف تقلیل مانند ﴿وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ﴾ (نساء: ۱۳۵/۴) (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۲۵).

آن‌چه سیوطی بیان داشته سه تفاوت با مغنی ابن هشام دارد: ۱- دو قسم اول «لَوْ» در مغنی را تحت «لَوْ» شرطیه امتناعیه گنجانده است، ۲- «لَوْ» در معنای عرض را نیآورده و ۳- معنای تقلیل را برای «لَوْ» افزوده است.

برخی ادیبان معاصر برای «لَوْ» پنج معنا نوشته‌اند: ۱- وُصْلِيه تقلیلیه، ۲- حرف تمنی، ۳- حرف امتناع، ۴- حرف عرض، ۵- حرف مصدری (بدیع یعقوب، ۱۴۲۸، صص ۵۸۴-۵۸۶). این نویسنده نیز چون سیوطی برای «لَوْ» معنای تقلیل را ذکر کرده و دو قسم اول «لَوْ» در مغنی را تحت «لَوْ» امتناعیه متذکر گردیده است و بر خلاف سیوطی و به پیروی از ابن هشام، معنای عرض را برای «لَوْ» آورده است.

۳- «لو» مصدریه در قرآن

چنان‌که گذشت یکی از اقسامی که ادبا برای «لو» ذکر کرده‌اند حرف مصدری است و غالباً پس از «وَدَّ» و مشتقات آن می‌آید. به تفصیلی که خواهد آمد در دوازده آیه قرآن این ساختار به کار رفته است. زمخشری در الکشاف برخلاف دیگران این «لو» را در معنای تمنّی دانسته است؛ چنان‌که ذیل آیه ﴿وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ...﴾ (بقره: ۹۶/۲) می‌نویسد: «لو» در آیه به معنای تمنّی می‌باشد (زمخشری، ۱۴۱۷، ج، ص ۱۶۸). گویا زمخشری بر این باور بوده که در تمام استعمالات دوازده گانه «لو» پس از «وَدَّ»، معنای تمنّی در این حرف وجود دارد، زیرا ذیل یازده آیه دیگر، سخنی بر خلاف آنچه که ذیل آیه پیش بیان کرده، نیاورده است مگر در تفسیر آیه ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً...﴾ (نساء: ۸۹/۴) ظاهراً غیر تمنّی بودن «لو» را ترجیح داده و می‌نویسد: «فَتَكُونُونَ» عطف بر «تَكْفُرُونَ» بوده و معنا چنین است: «وَدُّوا كُفْرَكُمْ فَكُونُكُمْ مَعَهُمْ شَرْعاً...» (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۵۴۶-۵۴۷). مشخص است که زمخشری معنای مصدریه را برای «لو» در نظر گرفته است؛ چرا که «تَكْفُرُونَ» و «فَتَكُونُونَ» را تأویل به مصدر برده است. وی پس از این بیان، احتمال معنای تمنّی را برای «لو» داده و نوشته است: اگر «تَكُونُونَ» جواب تمنّی قرار گرفته و منصوب شود نیز جایز است (همان).

فعل «وَدَّ» با مشتقات آن ۲۹ بار در قرآن به کار رفته است؛ ۱۶ مورد فعل ثلاثی مجرد آن با مشتقاتش - دوازده بار قبل از «لَوْ» و چهار بار قبل از حروف «أَنَّ، أَنْ، مَا» - استعمال شده است. با بررسی ۱۶ آیه می‌توان احتمال داد که «لَوْ» در تمام استعمالات پس از «وَدَّ» و مشتقاتش مصدریه بوده و دیدگاه زمخشری چندان استوار نمی‌باشد؛ این ادعا بر دو دلیل استوار می‌باشد:

دلیل اول) نحویان در کتاب‌هایشان موصولات حرفی را پنج حرف دانسته‌اند: الف) «أَنَّ» مصدریه که قبل از فعل متصرف می‌آید، خواه فعل ماضی، مانند: «عَجِبْتُ مِنْ أَنْ قَامَ زَيْدٌ» خواه فعل مضارع، مانند: «عَجِبْتُ مِنْ أَنْ يَقُومَ زَيْدٌ» و خواه فعل امر، مانند: «أَشْرْتُ إِلَيْهِ بِأَنْ قُمْ»، اگرچه گاهی نیز قبل از فعل غیر متصرف می‌آید، مانند: ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم: ۳۹/۵۳؛ ب) «أَنَّ» که بر سر اسم و خبر می‌آید، مانند: «عَجِبْتُ مِنْ أَنْ زَيْدًا قَائِمٌ»؛ ج) «كَيْ» که فقط قبل از فعل مضارع می‌آید، مانند: «جِئْتُ لِكَيْ تُكْرِمَ زَيْدًا»؛ د) «مَا» که به دو صورت مصدریه ظرفیه، مانند: «لَا أَصْحَبُكَ مَا دُمْتَ مُنْطَلِقًا» و مصدریه غیر ظرفیه، مانند: «عَجِبْتُ مِمَّا ضَرَبْتَ زَيْدًا» به کار می‌رود و قبل از فعل ماضی، مضارع و جمله اسمیه می‌آید؛ ه) «لَوْ» که قبل از فعل ماضی و مضارع می‌آید مانند: «وَدِدْتُ لَوْ قَامَ زَيْدٌ» و «وَدِدْتُ لَوْ يَقُومُ زَيْدٌ» (ابن عقیل، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۱۳۸-۱۴۰) برای انواع حروف مصدری ر.ک: استرآبادی، ۱۳۹۵، ج ۴، صص ۴۴۰-۴۴۲).

در قرآن فعل «وَدَّ» چهار بار با سه حرف «آن، ما، آن» (از حروف پیش گفته) استعمال شده است و این خود قرینه‌ای بر مصدریه بودن حرف «لو» می‌باشد و نمی‌توان پذیرفت که سه حرف «آن، ما، آن» مصدریه و «لو» غیر مصدریه باشد. آن‌طور که گذشت «وَدَّ» با مشتقات فعلی ۱۶ بار در قرآن به کار رفته است؛ ۱۲ نوبت با «لَو» و ۴ نوبت با حروف «آن، آن، ما» است، تفصیل این چهار مورد به شرح ذیل می‌باشد:

الف) «وَدَّ» با حرف مصدری «آن»: این ساختار دو بار در قرآن به کار رفته است:

- ۱- ﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ...﴾ (بقره: ۲/۱۰۵). تفاسیری که گرایش ادبی دارند، «أَنْ يُنَزَّلَ» را در محل نصب و مفعول به برای فعل «يُوَدُّ» دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۴۴/ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۹۹/ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۴۵). بر این اساس، تأویل «أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ» «تنزیل خیر علیکم» است.
- ۲- ﴿أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾ (بقره: ۲/۲۶۶)، «أَنْ تَكُونَ» در محل نصب و مفعول به برای فعل «يُوَدُّ» است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۵۳/ درویش، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۲).

ب) «وَدَّ» با حرف مصدری «ما»: این ساختار یک بار در قرآن استعمال شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ...﴾ (آل عمران: ۳/۱۱۸). در این آیه «ما عَنِتُّمْ» در محل نصب و مفعول به برای فعل «يُوَدُّ» و تقدیر آن: «وَدُّوا عَنَتَكُمْ» است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۲۰/ زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۶/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۰/ عکبری، بی تا، ص ۸۶).

ج) «وَدَّ» با حرف مصدری «آن»: این ساختار یک بار در قرآن استعمال شده است: ﴿وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّاغُوتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ...﴾ (انفال: ۷/۸). در این آیه، عبارت «أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ» در محل نصب و مفعول به برای فعل «تَوَدُّونَ» می‌باشد (صافی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۱۷۵/ درویش، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۳۲).

* **جمع بندی:** در هر چهار آیه، حروف مصدریه با صله‌های خود مفعول به برای فعل «وَدَّ» می‌باشند. وجود چهار آیه با ساختار فعل «وَدَّ» و حروف مصدریه: «آن، آن، ما» قرینه‌ای است بر این‌که «لو» نیز حرف مصدریه می‌باشد، لذا همان‌طور که آن سه حرف با صله‌های خود به تأویل رفته و مفعول به برای فعل متعدی «وَدَّ» می‌باشند، «لو» و صله‌اش نیز چنین خواهد بود.

دلیل دوم) دومین دلیل بر مصدریه بودن «لو» پس از «وَدَّ» این است که در برخی از آیات قرآن، پس از «لو» «تمنی فاء سببیه و فعل مضارع به کار رفته است، مانند: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا...﴾ (بقره: ۱۶۷/۲) و مانند: ﴿أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (زمر: ۵۸/۳۹)، در این آیات فعل مضارع پس از «لو» تمنی و فاء سببیه منصوب به فتحه شده است. به گفته سیوطی در اتقان، «لو» تمنی آن است که می‌توان به جای آن «لَئِيتَ» قرار داد مانند: ﴿فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء: ۱۰۲/۲۶) و به همین دلیل است که فعل در جواب آن منصوب می‌شود (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۲۸).

حال، در صورتی که «لو» پس از فعل «وَدَّ» معنای تمنی داشته باشد، باید در سه آیه قرآن افعال مضارعی که با «فاء» و در پی «وَدَّ» و «لو» آمده‌اند منصوب شوند. بنابراین، در آیات: ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾ (نساء: ۸۹/۴)، ﴿وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ﴾ (نساء: ۱۰۲/۴)، ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم: ۹/۶۸) اگر «لو» معنای تمنی داشت، باید افعال «تَكُونُونَ»، «يَمِيلُونَ» و «يُدْهِنُونَ» منصوب به حذف نون اعراب می‌گردیدند؛ درحالی که در هیچ یک از آن‌ها نون حذف نشده است. سیبویه (۱۸۰ق) نیز ضمن اشاره به دو احتمال رفع و نصب در آیه ۹ سوره قلم، حالت رفع را بر نصب ترجیح داده است (سیبویه، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۶). علامه بلاغی در تفسیر خود به این دلیل رهنمون داشته است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۰۹).

ممکن است اشکال شود که در آیات سه‌گانه یاد شده، افعال «تَكُونُونَ»، «يَمِيلُونَ» و «يُدْهِنُونَ» با حذف نون اعراب نیز قرائت شده‌اند. در پاسخ باید گفت: در همه آن‌ها قرائت با ثبوت نون بوده مگر آیه ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم: ۹/۶۸) که ادعا شده در برخی مصاحف «فَيُدْهِنُونَ» قرائت شده است (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۵۸۶/اشمونی و انصاری، ۱۴۲۲، ص ۷۹۸)، درباره این قرائت نیز گویند که بنا بر توهم منصوب شده است گویی توهم شده که با «أن» نطق گردیده، لذا فعل به دلیل این توهم منصوب است (اشمونی و انصاری، همانجا).

۴- نقد و بررسی ترجمه‌های قرآنی از «وَدَّ» و «لو» مصدریه

روشن گردید که «لو» پس از «وَدَّ» در قرآن مصدریه بوده و در دوازده موضع چنین ساختاری در آیات موجود است. غالب ترجمه‌های قرآن «لو» را در معنای تمنی - ظاهراً تحت تأثیر زمخشری - دانسته و با تعبیری چون: «ای کاش» و «کاش» یا در معنای حرف ربطی «که» ترجمه کرده‌اند. نیز برای فعل «وَدَّ» معادل‌های گوناگونی چون: «دوست دارد»، «آرزو دارد» و «خوش دارد» آورده‌اند. از این روی پیش از بررسی ترجمه‌ها در ترجمه ساختار «وَدَّ» و «لو»، لازم است اندکی درباره معنای «وَدَّ» در لغت بحث

شود تا بتوان بررسی دقیق‌تری نسبت به ترجمه‌ها صورت داد. راغب در تبیین معنای «الْوُدُّ» می‌نویسد: «محبَّة الشيء و تمنی كونه»؛ «وُد» به معنای دوست داشتن چیزی و آرزو داشتن آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۶۰). ابن فارس و جوهری معتقدند ماده «وود» هر گاه با مفعول صریح به کار رود، به معنای «محبت» است، مانند: «وَوَدِدْتُهٗ أَحَبُّبْتُهٗ» و «وَوَدِدْتُ الرَّجُلَ أَوْدُهُ وَوَدًّا: إِذَا أَحَبَّبْتَهُ» و هر گاه با مفعول غیر صریح یعنی با یکی از حروف مصدریه به کار رود به معنای «تمنی» است: «وَوَدِدْتُ أَنْ ذَاكَ كَانَ، إِذَا تَمَنَّيْتَهُ» و «وَوَدِدْتُ لَوْ تَفَعَّلَ ذَاكَ وَوَدِدْتُ لَوْ أَنَّكَ تَفَعَّلَ ذَاكَ، أَوْوُدًا وَوَدًّا وَوَدَادَةً، وَوَدَادًا أَيْ تَمَنَّيْتُ» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۷۵ / جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۴۹). برخی دیگر از لغت‌شناسان نیز به این دو کارکرد و معنا اشاره کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۵۳ / فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۵۳ / طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۹).

بنابراین، مشخص گردید که ماده «وود» در دو معنای «محبت» (دوست داشتن) و «تمنی» (آرزو داشتن) استعمال شده است. راغب برای هر یک از این دو معنا چند مثال قرآنی آورده است. از جمله آیاتی که برای معنای «محبت» آورده عبارتند از: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری: ۲۳/۴۲)، ﴿وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ﴾ (بروج: ۱۴/۸۵)، ﴿إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ (هود: ۹۰/۱۱). آیاتی که راغب برای معنای «تمنی» آورده جملگی آیاتی هستند که در آن‌ها «وود» و مشتقاتش با یکی از حروف مصدریه به کار رفته است، مانند: ﴿وَوَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ﴾ (آل عمران: ۶۹/۳)، ﴿وَوَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾ (آل عمران: ۱۱۸/۳)، ﴿وَوَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ﴾ (بقره: ۱۰۹/۲)، ﴿تَوَدُّونَ أَنْ غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ﴾ (انفال: ۷/۸) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۶۰). زمخشری نیز ذیل آیه ﴿تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا﴾ (آل عمران: ۳۰/۳)، را به معنای «تَمَنَّى» دانسته است (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۵۲). بنابر آنچه رفت، هرگاه فعل «وود» با یکی از حروف مصدریه به کار رود، در معنای «تمنی» (آرزو داشتن) است.

پس از بیان این مقدمه به بررسی سیزده ترجمه مشهور پرداخته می‌شود و میزان دقت و صحت هر یک از آن‌ها در ترجمه دوازده آیه‌ای که ساختار «وود» و «لو» دارند، تبیین می‌گردد:

۱- ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ...﴾ (بقره: ۹۶/۲).

مشکینی: «... هر يك از آنها دوست دارد که ای کاش هزار سال عمر می‌کرد...».

مجتبوی: «... هر يك از آنها دوست دارد که هزار سال عمرش دهند...».

آیتی: «... و بعضی از کافران دوست دارند که هزار سال در این دنیا زیست کنند...».

حداد: «... هر یک از آنان دوست دارد هزار سال زندگی کند...».
 خرمشاهی: «... هر یک از آنان خوش دارد که کاش هزار سال عمر دهندش...».
 المیزان: «... هر یک از ایشان را که واری کنی خواهی دید که دوست دارد هزار سال زندگی کند...».
 انصاریان: «... هر یک از آنان آرزومند است که ای کاش هزار سال عمرش دهند...».
 فولادوند: «... هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند...».
 فارسی: «... هر یک از آنان آرزو می کند که یکهزار سال عمر کند...».
 مکارم: «... هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود...».
 رضایی: «... هر یک از ایشان عمر هزار ساله آرزو دارد...».
 صفارزاده: «... که هر یک از آنان آرزو دارد هزار سال عمر کند...».
 قمشه‌ای: «... هر یهودی آرزوی هزار سال عمر می کند...».

***نقد و بررسی:** به نظر می رسد در ترجمه مشکینی، مجتبی، آیتی و خرمشاهی دو اشکال وجود دارد: اول آن که «یَوَدُّ» را «دوست دارد» و «خوش دارد» ترجمه کرده اند؛ در حالی که چنان که رفت در ساختار «وَدَّ» و «لَوَّ» باید «آرزو دارد» معنا شود، دیگری آن که «لَوَّ» با صله اش به تأویل «تعمیر الفِ سَنَّة» رفته و مفعول به برای «یَوَدُّ» خواهد بود (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۰۴/ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۴۴) و آوردن کلمات «که» و «ای کاش» معادل صحیحی برای آن نبوده و «لَوَّ» و صله اش باید به صورت مؤوَل و با نقش مفعولی ترجمه شود. در ترجمه حداد و المیزان، ظاهراً اشکال اول وارد بوده و فعل «یَوَدُّ» دقیقاً ترجمه نشده است. در ترجمه انصاریان، فولادوند و فارسی اشکال دوم به نظر می آید؛ چنان که برای «لَوَّ» معادل صحیح آورده نشده است، اما در چهار ترجمه مکارم، رضایی، صفارزاده و قمشه‌ای فعل «یَوَدُّ» دقیق و به معنای «آرزو دارد» ترجمه شده است، البته، در سه ترجمه مکارم، صفارزاده و قمشه‌ای «لَوَّ» اگرچه به همراه صله اش به تأویل مصدر برده شده و به صورت مفعولی «هزار سال» برگردانده شده است، با این وجود معادل دقیق «تعمیر الفِ سَنَّة» نیست و تنها رضایی با تعبیر «عمر هزار ساله» دقیق ترین ترجمه را عرضه داشته است.

۲- ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ﴾ (بقره: ۱۰۹/۲).

مشکینی: «بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حقانیت (اسلام) بر آنها روشن شد به خاطر حسد برخاسته از وجودشان، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند...».

مجتبوی: «بسیاری از اهل کتاب با اینکه حق برای آنها روشن و هویدا شده از روی حسدی که در دلشان هست دوست دارند که شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر بازگردانند...».

انصاریان: «بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند...».

خرمشاهی: «بسیاری از اهل کتاب، با آنکه حق برایشان آشکار شده است، به انگیزه رشکی که در دل دارند، خوش دارند که شما را پس از ایمانتان کافر گردانند...».

صفارزاده: «بسیاری از اهل کتاب، پس از آشکار شدن حق بر ایشان از سر بغض و حسد، بسیار مشتاقند که شما (مسلمانان) را از ایمان به کفر باز گردانند...».

آیتی: «... از روی حسد، دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر بازگردانند...».

فارسی: «بسیاری از اهل کتاب از راه حسدی که در اندرونشان هست دوست داشتند شما را پس از ایمانتان به حالت کفار برگردانند...».

حداد: «بسیاری از اهل کتاب از سر حسادتی که در دل دارند، با آنکه حق برایشان روشن شده، دوست می دارند شما را از پس ایمان آوردنتان کافر گردانند...».

قمشه‌ای: «بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از ایمان به کفر برگردانند...».

رضایی: «بسیاری از اهل کتاب، بعد از آنکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در جانشان بود- آرزو می کردند که شما را بعد از ایمان آوردنتان، به (حال) کفر بازگردانند...».

فولادوند: «بسیاری از اهل کتاب- پس از اینکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند...».

المیزان: «بسیاری از اهل کتاب دوست می دارند و آرزو می کنند ای کاش می توانستند شما را بعد از آنکه ایمان آوردید بکفر برگردانند...».

مکارم: «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد- که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند...»

*نقد و بررسی: به نظر می رسد در ترجمه مشکینی، مجتبوی، انصاریان، خرمشاهی و صفارزاده اشکالات دوگانه در ترجمه «وَدَّ» و «لَو» و صله اش- به تفصیلی که ذیل آیه نخست گذشت- وجود دارد. در ترجمه آیتی، فارسی و حداد، فعل «وَدَّ» دقیق ترجمه نشده است. در ترجمه قمشه‌ای، رضایی، فولادوند و المیزان، اشکال دوم وارد است، زیرا «لَو» به «که» و «ای کاش» ترجمه گردیده اند. مکارم صحیح ترین ترجمه را از ساختار «وَدَّ» و «لَو» ارائه کرده است، با این وجود فعل «وَدَّ» را به صورت ماضی استمراری: «آرزو می کردند» برگردانده است، در حالی که فعل ماضی ساده هست و باید «آرزو کردند» ترجمه می شد.

۳- ﴿... تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا﴾ (آل عمران: ۳۰/۳)

مجتبوی: «... دوست دارد که کاش میان او و کارهای بدش جدایی دوری می بود...».

آیتی: «... آرزو کند که ای کاش میان او و کردار بدش فاصله ای بزرگ بود...».

قمشه ای: «... آرزو کند که ای کاش میان او و کار بدش به مسافتی دور جدایی بود...».

انصاریان: «... آرزو می کند که ای کاش میان او و کارهای زشتش زمان دور و درازی فاصله بود...».

المیزان: «... آرزو می کند ای کاش بین او و آنچه کرده زمانی طولانی فاصله بود...».

رضایی: «... آرزو می کند که بین او و بین آن (اعمال بد) فاصله (زمانی) زیادی بود...».

فارسی: «... آرزو می کند که میان آن و وی فاصله ای دور باشد...».

فولادوند: «... آرزو می کند کاش میان او و آن (کارهای بد) فاصله ای دور بود...».

مشکینی: «... آرزو می کند که کاش میان او و عمل های بدش مدت زمان درازی بود...».

صفا زاده: «... آرزو می کند ای کاش میان او و اعمال ناپسندش فاصله ای زیاد بود...».

حداد: «... آرزو کند کاش میان او و کار بدش فرسنگها فاصله باشد...».

خرمشاهی: «... آرزو کند که مگر بین او و کار بدش فرسنگها فاصله باشد...».

مکارم: «... آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد...».

*نقد و بررسی: در آیه ﴿تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا﴾، «أَنَّ» با اسم و خبرش در محل رفع و فاعل برای فعل محذوف «ثبت» می باشد و تقدیر آن: «ثَبَّتْ حُصُولَ الْأَمَدِ الْبَعِيدِ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ» است و این جمله مقدر، صله «لَوَّ» بوده و این صله و موصول حرفی به تأویل رفته و محلاً منصوب و مفعول به برای فعل «تَوَدُّ» است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۵۴/اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۰۲).

در ترجمه مجتبوی، دو اشکال مربوط به ترجمه «تَوَدُّ» و «لَوَّ» و صله اش دیده می شود. در ترجمه آیتی، قمشه ای، انصاریان، المیزان، رضایی، فارسی، فولادوند، مشکینی، صفا زاده، حداد و خرمشاهی اشکال در ترجمه «لَوَّ» وجود دارد، زیرا «که» و «ای کاش» ترجمه شده است. ظاهراً مکارم، صحیح ترین ترجمه را از ساختار «تَوَدُّ» و «لَوَّ» دارد.

۴- ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ...﴾ (آل عمران: ۶۹/۳)

مجتبوی: «گروهی از اهل کتاب دوست می دارند که کاش شما را گمراه کنند...».

آیتی: «طایفه ای از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند...».

مشکینی: «گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه نمایند...».

خرمشاهی: «گروهی از اهل کتاب خوش دارند که شما را گمراه کنند...».

المیزان: «طایفه‌ای از اهل کتاب خیلی دوست دارند شما را گمراه کنند...».
صفارزاده: «گروهی از اهل کتاب دوست دارند شما مؤمنان را گمراه کنند...».
قمشه‌ای: «گروهی از اهل کتاب انتظار و آرزوی آن دارند که شما را گمراه کنند...».
فارسی: «گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از راه بدر کنند...».
فولادوند: «گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کنند کاش شما را گمراه می‌کردند...».
انصاریان: «گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که کاش شما را (از راه خدا) گمراه کنند...».
مکارم: «جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند) شما را گمراه کنند...».
رضایی: «دسته‌ای از اهل کتاب گمراهی شما را آرزو می‌کردند...».
حداد: «جماعتی از اهل کتاب آرزو دارند شما را گمراه سازند...».

***نقد و بررسی:** گویا در ترجمه مجتبوی، آیتی، مشکینی و خرمشاهی در ترجمه «وَدَّ» و «لَو» و صله‌اش لغزش وجود دارد، زیرا فعل «وَدَّتْ» را «دوست می‌دارند»، «دوست دارند» و «خوش دارند»، ترجمه کرده‌اند، حال آن‌که باید «آرزو دارند» یا «آرزو می‌کردند» معنا کند. همچنین، در این ترجمه‌ها حرف «لَو» به «که» معادل‌یابی شده است، درحالی‌که «لَو» معنای مستقل ندارد و معنا نمی‌شود. در ترجمه المیزان و صفارزاده فعل «وَدَّتْ» -با برگردان: «دوست دارند»- به صورت صحیح ترجمه نشده است. در ترجمه قمشه‌ای، فارسی، فولادوند و انصاریان، اشکال در ترجمه «لَو» وجود دارد، زیرا در معنای «که» و «ای کاش» آمده است، اما در ترجمه مکارم، رضایی و حداد ترجمه صحیح از ترکیب «وَدَّتْ» و «لَو» ارائه شده است.

۵- ﴿يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ...﴾ (نساء: ۴۲/۴)

مشکینی: «در آن روز کسانی که کفر ورزیده‌اند و فرستاده خدا را نافرمانی کرده‌اند دوست می‌دارند که کاش با (خاك) زمین یکسان می‌شدند...».

آیتی: «در آن روز کافران و آنان که بر رسول عصیان ورزیده‌اند آرزو کنند که با خاك زمین یکسان می‌بودند...».

رضایی: «در آن روز، کسانی که کفر ورزیده‌اند، و فرستاده (خدا) را نافرمانی کرده‌اند، آرزو می‌کنند که آنان با (خاك) زمین یکسان می‌شدند...».

قمشه‌ای: «در آن روز آنان که به راه کفر رفته و نافرمانی رسول کردند آرزو کنند که ای کاش با خاك زمین یکسان بودند...».

انصاریان: «در آن روز کسانی که کفر ورزیده‌اند و از رسول نافرمانی کرده‌اند، آرزو می‌کنند که ای کاش با زمین یکسان می‌شدند...».

المیزان: «در آن روز کسانی که کفر ورزیدند و رسول را نافرمانی کردند آرزو می‌کنند ای کاش با خاک یکسان شده بودیم...».

فارسی: «در آن هنگام کسانی که کافر شدند و پیامبر را نافرمانی کردند آرزو می‌کنند کاش زمین بر ایشان هموار شود...».

فولادوند: «آن روز، کسانی که کفر ورزیده‌اند، و از پیامبر (خدا) نافرمانی کرده‌اند، آرزو می‌کنند که ای کاش با خاک یکسان می‌شدند...».

مجتبوی: «آن روز کسانی که کافر شدند و پیامبر را نافرمانی کردند آرزو کنند که کاش با خاک زمین یکسان می‌شدند...».

مکارم: «در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر (ص) بمخالفت برخاستند، آرزو می‌کنند که ای کاش (خاک بودند، و) خاک آنها با زمینهای اطراف یکسان می‌شد...».

سفارزاده: «در آن روز، کافران و آنانکه با رسول خدا به مخالفت برخاستند، آرزو می‌کنند که ای کاش با خاک زمین یکسان بودند...».

حداد: «آن روز، آنان که کفر ورزیده و از فرمان پیامبر سر پیچیده‌اند آرزو می‌کنند کاش با خاک یکسان می‌بودند...».

خرمشاهی: «در چنین روز کسانی که کفر ورزیده و از پیامبر سر پیچیده‌اند آرزو کنند کاش زمین (آنان را فرو برد و) بر آنان هموار گردد...».

***نقد و بررسی:** در ترجمه مشکینی، «یَوَدُّ» و «لَوَّ» و صلّه‌اش لغزش دیده می‌شود، زیرا فعل «یَوَدُّ» باید «آرزو می‌دارند» - و نه «دوست می‌دارند» - معنا می‌گردید و حرف «لَوَّ» به «که کاش» ترجمه شده که برگردان «لَوَّ» تمنّی است و نه «لَوَّ» مصدریه که صلّه‌اش را به تأویل می‌برد و با صلّه‌اش مفعول به برای فعل «یَوَدُّ» می‌گردد. در باقی ترجمه‌ها، اشکال فقط در برگردان «لَوَّ» وجود دارد. بنابراین، در هیچ یک از این ترجمه‌ها ترجمه صحیح از ساختار «یَوَدُّ» و «لَوَّ» وجود ندارد. ترجمه صحیح آیه چنین به نظر می‌رسد: «در آن روز، کافران و سرپیچی‌کنندگان از فرمان پیامبر، یکسان شدنشان را با خاک زمین آرزو می‌کنند».

۶- ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً...﴾ (نساء: ۸۹/۴)

مجتبوی: «دوست می‌دارند که کاش شما نیز مانند آنها کافر شوید تا یکسان باشید...».

خرمشاهی: «آنان) خوش دارند که شما نیز مانند ایشان کفر بورزید و در نتیجه همانند باشید...».
مشکینی: «آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده‌اند شما هم کافر شوید تا با هم یکسان باشید...».

آیتی: «دوست دارند هم چنان که خود به راه کفر می‌روند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید...».
انصاریان: «آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده‌اند، شما هم کافر شوید، تا (در کفر و ضلالت) با هم برابر و یکسان باشید...».

المیزان: «آنها دوست دارند شما نیز کافر شوید هم چنان که خودشان کافر شدند و در نتیجه مثل هم باشید...».

صفارزاده: «(منافقان) می‌خواهند همانگونه که خودشان به کفر گرویدند، شما نیز مثل آنها کافر بشوید تا با هم برابر باشید...».

حداد: «آنان آرزو می‌کنند کاش شما نیز، آن سان که آنها کافر شدند، کافر شوید تا مانند هم باشید...».

قمشه‌ای: «(کافران) آرزو کنند که شما (مسلمین) هم به مانند آنها کافر شوید تا همه برابر (در کفر) باشید...».

رضایی: «(منافقان) آرزو دارند، که (شما) کافر شوید، همانگونه که (خود) کفر ورزیدند، و مساوی یکدیگر شوید...».

فارسی: «آرزو کنند که کاش شما چنانکه کافر شدند کافر شوید تا یکسان باشید...».
مکارم: «آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید...».
فولادوند: «همان گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند (که شما نیز) کافر شوید، تا با هم برابر باشید...».

*نقد و بررسی: در ترجمه مجتبی، خرمشاهی، ترجمه «وَدُّوا» و «لَو» و صله‌اش صحیح به نظر نمی‌رسد. در ترجمه مشکینی، آیتی، انصاریان، المیزان و صفارزاده، اشکال در ترجمه «وَدَّ» دیده می‌شود. در باقی ترجمه‌ها یعنی ترجمه حداد، قمشه‌ای، رضایی، فارسی، فولادوند و مکارم، ظاهراً ترجمه صحیحی از «لَو» ارائه نشده است. بنابراین، هیچ یک از ترجمه‌ها ساختار «وَدُّوا» و «لَو» را دقیق به فارسی برنگردانده‌اند.

۷- ﴿... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْعَتِكُمْ فِيمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً...﴾

(نساء: ۱۰۲/۴)

آیتی: «... زیرا کافران دوست دارند که شما از سلاح‌ها و متاع خود غافل شوید تا یکباره بر شما بتازند...».

مجتبوی: «... کافران دوست دارند که شما از سلاح‌ها و کالاهای خویش غافل شوید تا یکباره بر شما بتازند...».

خرمشاهی: «... (چرا که) کافران خوش دارند که کاش شما از سلاح‌ها و ساز و برگتان غافل باشید تا بناگاه به یک حمله بر شما بتازند...».

صفارزاده: «... (چرا که) کافران مشتاقانه در کمین‌اند که شما از اسلحه و وسایل دفاعی خویش غافل شوید تا بر شما شیخون زنند...».

انصاریان: «... چون کافران دوست دارند شما از سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود غفلت ورزید، تا یک‌باره به شما هجوم کنند...».

المیزان: «... چون آنها که دچار بیماری کفرند، خیلی دوست می‌دارند شما از اسلحه و بار و بنه خود غافل شوید و یکباره بر شما بتازند...».

مشکینی: «... زیرا کافران دوست دارند شما از سلاح‌ها و ساز و برگ‌های خود غفلت کنید پس یک مرتبه بر شما حمله کنند...».

قمشه‌ای: «... زیرا کافران آرزو و انتظار دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید تا ناگهان یکباره بر شما حمله ور شوند...».

رضایی: «... (زیرا) کسانی که کفر ورزیدند، آرزو می‌کنند که از سلاح‌هایتان و وسایلتان غافل شوید، و با یک شیخون (ناگهانی) به شما یورش آورند...».

فارسی: «... کسانی که کافر شدند آرزو می‌کنند که شما از اسلحه و بار و بنه تان غافل شوید تا یکباره بر سرتان بتازند...».

فولادوند: «... (زیرا) کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند...».

مکارم: «... (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاح‌ها و متاع‌های خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند...».

حداد: «... کافران آرزو دارند شما از اسلحه و اسباب خود غافل شوید تا یکباره بر شما هجوم آرند...».

*نقد و بررسی: در ترجمه آیتی، مجتبوی، خرمشاهی و صفارزاده در ترجمه «وَدَّ» و «لَو» و صلح‌اش اشکال به نظر می‌آید. فعل «وَدَّ» را به ترتیب: «دوست دارند»، «خوش دارند» و «مشتاقانه»، و حرف «لَو» را «که» و «که کاش» ترجمه کرده‌اند، حال آن‌که «وَدَّ» را باید «آرزو دارند» یا «آرزو می‌کردند» معنا

می‌کردند و حرف «لَو» نیز معنای مستقل ندارد و معنا نمی‌شود. در ترجمه انصاریان، المیزان و مشکینی فعل «وَدَّ» صحیح ترجمه نشده است و اشکال ترجمه‌های پیش‌گفته را دارد. در ترجمه قمشه‌ای، رضایی، فارسی، فولادوند و مکارم، لغزش در ترجمه «لَو» وجود دارد. ظاهراً ترجمه حداد تنها ترجمه صحیح از ترکیب «وَدَّ» و «لَو» است.

۸- ﴿رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ (حجر: ۲/۱۵)

المیزان: «چه بسا که کافران دوست می‌دارند که کاش مسلمان بودند».

آیتی: «چه بسا آن کسانی که کافر شدند (روزی) آرزو کنند که ای کاش مسلمان بودند».

مکارم: «کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند».

صفارزاده: «چه بسا آن کسانی که کافر شدند (روزی) آرزو کنند که ای کاش مسلمان بودند».

قمشه‌ای: «کافران (چون چشم حقیقت بین بگشایند) ای بسا آرزو کنند که کاش مسلم و خداپرست بودند».

انصاریان: «کافران (هنگام روبرو شدن با عذاب) چه بسا آرزو می‌کنند که کاش تسلیم (فرمان‌های خدا) بودند».

فارسی: «بسا شود که کسانی که کافر شدند تمنا کنند که کاش مسلمان بودند».

فولادوند: «چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند».

مجتبوی: «چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند».

مشکینی: «چه بسا کسانی که کفر ورزیده‌اند (در وقت دیدن پیروزی مسلمین یا در وقت مرگشان یا در روز جزا) آرزو کنند که کاش مسلمان بودند».

حداد: «آنان که کفر ورزیده‌اند، بسا آرزو کنند کاش مسلمان بودند».

خرمشاهی: «چه بسا کافران آرزو کنند که کاش مسلمان بودند».

رضایی: «چه بسا، کسانی که کفر ورزیدند، مسلمان بودنشان را آرزو مندند».

***نقد و بررسی: ظاهراً در ترجمه المیزان «یَوَدُّ» و «لَو» و صله‌اش صحیح ترجمه نشده‌اند، زیرا ساختار مزبور به صورت: «دوست می‌دارند که کاش» معادل یابی شده است، درحالی‌که «یَوَدُّ» باید «آرزو دارند» یا «آرزو می‌کردند» معنا گردد و «لَو» نیز معنا نمی‌شود. در ترجمه آیتی، مکارم، صفارزاده، قمشه‌ای، انصاریان، فارسی، فولادوند، مجتبوی، مشکینی، حداد و خرمشاهی در ترجمه «لَو» لغزش دیده می‌شود، زیرا آن را «که ای کاش»، «که کاش» و «کاش» معنا کرده‌اند، در صورتی که این‌ها برگردان**

«لَوَّ» تمنّی است و نه «لَوَّ» مصدریه که صله اش را به تأویل می برد و با صله اش مفعول به برای فعل «یَوَدُّ» می گردد. در میان این مترجمان، تنها رضایی ترجمه صحیحی را از ترکیب «وَدَّ» و «لَوَّ» ارائه داده است.

۹- ﴿يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يُذْهِبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ...﴾ (احزاب: ۲۰/۳۳)

حداد: «... و اگر احزاب (یک بار دیگر) برگردند اینان دوست می دارند کاش در میان بادیه نشینان بودند...»

مشکینی: «... و اگر احزاب (دوباره) بازگردند آنها دوست دارند که کاش در صحرا میان بادیه نشینان بودند...».

انصاریان: «... و اگر بار دیگر گروه های دشمن بیایند، آنان دوست دارند که کاش در میان اعراب بادیه نشین بودند...».

المیزان: «... و اگر هم برگردند، دوست می دارند ای کاش به بادیه رفته بودند...».

مجتبوی: «... و اگر آن لشکرها بازآیند، دوست دارند که در میان اعراب بادیه نشین می رفتند...»

خرمشاهی: «... و اگر گروه مشرکان همدست برگردند، خوش دارند که کاش بیابانی و در میان بادیه نشینان باشند...».

صفارزاده: «... اگر بار دیگر احزاب برگردند، آنها ترجیح می دهند که فرار کنند و به میان اعراب بادیه نشین بروند...».

مکارم: «... و اگر برگردند، (از ترس آنان) دوست می دارند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند...».

آیتی: «... و اگر آن لشکرها بازمی آمدند، آرزو می کردند که کاش در میان اعراب بادیه نشین می بودند...».

فارسی: «... و اگر قبایل مشرک مهاجم بیایند، آرزو می کنند کاش آنان در میان اعراب بیابانگرد می گشتند...».

فولادوند: «... و اگر دسته های دشمن بازآیند، آرزو می کنند: کاش میان اعراب بادیه نشین بودند...».

قمشه ای: «... و اگر آن دشمنان بار دیگر بر علیه اسلام لشکر کشند، باز منافقان آرزوشان این است که در میان اعراب بادیه (از جنگ آسوده و برکنار) باشند...».

رضایی: «... و اگر (بار دیگر سپاه) حزب ها بیایند، آرزو می کنند که آنان در میان اعراب، بادیه نشین بودند...».

***نقد و بررسی:** به نظر می‌رسد بر حداد، مشکینی، انصاریان، المیزان، مجتبوی، خرماشاهی و صفارزاده، در ترجمه «یَوَدُّوا» و «لَو» و صله‌اش ایراد وارد باشد؛ چراکه ساختار مزبور را «دوست می‌دارند کاش»، «دوست دارند که کاش»، «خوش دارند که کاش» و «ترجیح می‌دهند که» معنا نموده‌اند، در حالی که فعل «یَوَدُّوا» باید «آرزو می‌کنند» معنا می‌شد و حرف «لَو» نیز چون مصدریه است، نباید معنا می‌گردید و قراردادن معادل‌هایی چون: «که/ای کاش» و «که» برای آن نادرست هستند. در ترجمه مکارم برای فعل «یَوَدُّوا»، معادل «دوست می‌دارند» قرار داده شده است، چنان‌که گذشت باید «آرزو می‌کنند» معنا می‌شد، لذا دقیق ترجمه نشده است. در باقی ترجمه‌ها یعنی ترجمه آیتی، فارسی، فولادوند، قمشه‌ای و رضایی در ترجمه «لَو» لغزش وجود دارد، زیرا با معادل‌های: «که کاش»، «کاش» و «که» ترجمه شده است، در صورتی که «لَو» مصدریه است و معنای مستقلی ندارد و باید صله‌اش را به تأویل ببرد و با صله‌اش، مفعول به برای فعل «یَوَدُّوا» گردد. ترجمه صحیح چنان می‌باشد: «... و اگر حزب‌ها بیایند، آنان (منافقان) حضور در میان اعراب بادیه‌نشین را آرزو می‌کنند».

۱۰- ﴿... وَ وُدُّوا لَو تَكْفُرُونَ﴾ (ممتحنه: ۲/۶۰)

مجتبوی: «... و دوست دارند که کاش شما هم کافر شوید».

آیتی: «... و دوست دارند که شما نیز کافر گردید».

قمشه‌ای: «... و چقدر دوست می‌دارند که شما کافر شوید».

مشکینی: «... و همیشه دوست دارند که شما کافر شوید».

صفارزاده: «... و خیلی مشتاقند که شما را به کفر و کفری بکشانند».

فارسی: «... و خوش دارند که شما کافر شوید».

خرماشاهی: «... و خوش دارند که شما کفر بورزید».

مکارم: «... و دوست دارند شما به کفر بازگردید».

انصاریان: «... و آرزو دارند که ای کاش شما هم کافر شوید».

حداد: «... و آرزو می‌کنند که کاش شما هم کافر می‌شدید».

المیزان: «... و آرزومند آنند که شما هم کافر شوید».

فولادوند: «... و آرزو دارند که کافر شوید».

رضایی: «... و کفر ورزیدن شما را آرزو دارند».

***نقد و بررسی:** در ترجمه مجتبوی، آیتی، قمشه‌ای، مشکینی، صفارزاده، فارسی و خرماشاهی برای ترجمه «وَدُّوا» و «لَو» با صله‌اش اشکال وجود دارد؛ این ساختار را «دوست می‌دارند که»، «دوست دارند

که کاش»، «خوش دارند که کاش»، «خیلی مشتاقند که» معنا شده است، درحالی که فعل «وَدَّوا» باید «آرزو دارند» - چنان که رضایی ترجمه کرده است - معنا می‌گردید و حرف «لَوَّ» نیز چون مصدریه است و صله‌اش: «تَكْفُرُونَ» را به تأویل می‌برد و مفعول به برای فعل «وَدَّوا» می‌شود، قرار دادن معادل‌هایی چون: «که کاش» و «که» برای آن نادرست است. برگردان صحیح آن: «کفر ورزیدن شما را» است، همان‌طور که رضایی معنا نموده است. در ترجمه مکارم فعل «وَدَّوا» صحیح ترجمه نشده است، چراکه معادل «دوست دارند» برای آن قرار داده شده است. در ترجمه انصاریان، حداد، المیزان و فولادوند ترجمه «لَوَّ» درست نیست، چراکه برای آن واژگان: «که ای کاش»، «که کاش» و «که» معادل‌یابی گردیده است. به نظر می‌آید ترجمه رضایی تنها ترجمه صحیح از ساختار «وَدَّوا» و «لَوَّ» است.

۱۱- ﴿وَدَّوْا لَوْ تَدَّهِنُ فَيَدْهِنُونَ﴾ (قلم: ۹/۶۸)

آیتی و مجتبوی: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی کنند».

فولادوند: «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند».

مشکینی: «زیرا آنها دوست دارند که نرمش و سازش کنی تا آنها نیز نرمش و سازش کنند».

قمشه‌ای: «کافران بسیار مایلند که تو با آنها مدهانه و مدارا کنی (و متعرض بتهاشان نشوی) تا آنها هم (به نفاق) با تو مدهانه و مدارا کنند».

المیزان: «آنان همین را می‌خواهند که تو سازش کنی و آنها هم با تو بسازند».

فارسی: «خوش داشتند که تو نرمش نشان دهی تا نرمش نشان دهند».

صفارزاده: «آنها خوش دارند که تو (درباره بتهای آنها) از در سازش در آیی تا آنها هم با تو (در زمینه‌ی اعتقادات) مدارا کنند».

خرمشاهی: «خوش دارند که با آنان سازگاری کنی تا با تو سازگاری کنند».

مکارم: «آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)».

انصاریان: «دوست دارند نرمی کنی تا نرمی کنند».

حداد: «آنان دوست می‌دارند تو با آنها سازش کاری کنی تا آنها نیز با تو سازش کاری کنند».

رضایی: «(آنان) سستی کردن تو را و سستی کردن خود را آرزو می‌کنند».

*نقد و بررسی: به نظر می‌آید در ترجمه مجتبوی، آیتی، فولادوند، مجتبوی، مشکینی، قمشه‌ای، المیزان، صفارزاده و خرمشاهی، «وَدَّوا» و «لَوَّ» و صله‌اش صحیح ترجمه نشده‌اند؛ چراکه این قالب را «دوست دارند که»، «بسیار مایلند که»، «همین را می‌خواهند که»، «خوش داشتند که» معنا نموده‌اند،

درحالی که فعل «وَدُّوا» باید «آرزو می کنند» معنا می گردید و حرف «لَوْ» نیز چون مصدریه است و صله اش «تُدْهِنُ» را به تأویل می برد و مفعول به برای فعل «وَدُّوا» می شود، قرارداد حرف ربطی «که» برای آن نادرست است. برگردان صحیح آن طبق معنای رضایی: «سستی کردن خود را آرزو می کنند» است. در ترجمه مکارم، انصاریان و حداد، برای فعل «وَدُّوا» معادل دقیقی دیده نمی شود، چراکه معادل «دوست دارند/ می دارند» برای آن قرار داده شده است. ظاهراً فقط در ترجمه رضایی ترجمه صحیحی از ترکیب «وَدَّ» و «لَوْ» ارائه شده است.

۱۲- ﴿يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْنِي﴾ (معارف: ۱۱/۷۰)

آیتی: «... گناهکار دوست دارد که خویشتن را بازخرد به فرزندانش». صفارزاده: «... در آن روز، کافر گناهکار حاضر است حتی فرزندانش را فدیة بدهد بلکه خودش را از عذاب نجات ببخشد».

مکارم: «... چنان است که گناهکار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند. انصاریان: «... گناهکار آرزو می کند که ای کاش می توانست فرزندانش را در برابر عذاب آن روز فدیة و عوض دهد».

المیزان: «... مجرم آرزو می کند ای کاش می شد فرزندان را در برابر عذاب آن روز فدا کرد». مجتبیوی: «... بزهکار آرزو کند که کاش می توانست (برای فرار) از عذاب آن روز فرزندان خود را عوض دهد».

مشکینی: «... گناهکار آرزو کند ای کاش می توانست از عذاب آن روز پسران خود را فدا دهد». قمشه ای: «... آن روز کافر بدکار آرزو کند که کاش توانستی فرزندانش را فدای خود سازد و از عذاب برهد».

فارسی: «... تبهکار آرزو کند کاش برای رهایی از عذاب آن روزگار پسران خویش را فدا دهد». فولادوند: «... گناهکار آرزو می کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز، می توانست پسران خود را عوض دهد».

حداد: «... گناهکار آرزو می کند کاش می توانست پسرانش را فدا کند تا از عذاب آن روز وا رهد. خر مشاهی: «... گناهکار آرزو کند کاش عذاب چنین روزی را...».

رضایی: «... خلافکار آرزو می کند که (برای نجات) از عذاب آن روز پسرانش را تاوان دهد».

*نقد و بررسی: در ترجمه آیتی و صفارزاده برای «يَوْمَ» و «لَوْ» و صله اش معادل دقیقی دیده نمی شود، زیرا فعل «يَوْمَ» به «دوست دارد» و «حاضر است» ترجمه شده و «لَوْ» به «که» و «حتی» برگردانده شده

است؛ درحالی که فعل باید «آرزو می کند» معنا شود. «لَو» نیز با صله اش به تأویل «إِفْتِدَاءَ بَنِيهِ» می رود و مفعول به برای «يَوَدُّ» خواهد بود و معنای آن «فدا کردن فرزندان را» خواهد بود. در ترجمه مکارم فعل «يَوَدُّ»، «دوست می دارد» معنا شده است که طبق توضیحات مذکور نادرست است. در ترجمه انصاریان، المیزان، مجتبیوی، مشکینی، قمشهای، فارسی، فولادوند، حداد، خرمشاهی و رضایی ظاهراً اشکال در ترجمه «لَو» وجود دارد؛ رضایی آن را «که» معنا کرده است، این معادل برای حرف ربط است درحالی که «لَو» موصول حرفی است، باقی نیز «ای / که کاش» معنا کرده اند که این برگردان، معادل «لَو» در معنای تمنی - و نه موصول - است.

بنابراین، در هیچ یک از ترجمه ها ساختار «يَوَدُّ» و «لَو» و صله اش صحیح ترجمه نشده است و به نظر می رسد معنای درست فقره محل بحث چنین باشد: «مجرم برای رهایی از عذاب آن روز، فدا کردن فرزندان را آرزو می کند».

نتیجه گیری

۱- در دوازده موضع قرآن ساختار فعل «وَدَّ» و مشتقاتش با حرف «لَو» به کار رفته است. در این ساختار، «لَو» مصدریه بوده و با صله اش به تأویل مصدر رفته و مفعول به برای فعل «وَدَّ» خواهد بود. زمخشری در کشاف این «لَو» را در معنای تمنی دانسته و ظاهراً مترجمانی که این حرف را در معنای «کاش» و «ای کاش» ترجمه کرده اند، متأثر از وی بوده اند. این در حالی است که سخن زمخشری به دلایلی، صحیح نیست.

۲- طبق قول بسیاری از لغت نامه های معتبر عربی، آنچه که در ساختار فعل «وَدَّ» و «لَو» معنای تمنی می دهد فعل «وَدَّ» - و نه «لَو» - می باشد. بر این اساس، به نظر می رسد در این ساختار «وَدَّ» در معنای «آرزو دارد» باید ترجمه گردد و «لَو» را با صله اش به تأویل برده و به اقتضای صله ای که دارد به صورت مفعول به برای «وَدَّ» ترجمه شود. بررسی سیزده ترجمه مشهور قرآن در این ساختار، حکایت از آن داشت که ترجمه ها غالباً یا برای «وَدَّ» معادل یابی ناصوابی داشته و با تعابیری چون: «دوست دارد» و «خوش دارد» به خطا رفته اند و یا در ترجمه «لَو» با تعابیری چون: «ای کاش» و «کاش» و حرف ربطی «که» لغزش داشته اند و یا همزمان در ترجمه هر دو واژه «وَدَّ» و «لَو» اشتباه کرده اند.

گفتنی است در مجموع این دوازده آیه، رضایی پنج بار ترجمه صحیح، مکارم چهار بار ترجمه صحیح، حداد دو بار ترجمه صحیح و هر کدام از صفارزاده و قمشهای یک بار ترجمه صحیح ارائه کرده اند.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

۱. آیتی، عبدالمحمد؛ ترجمه قرآن؛ تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن هشام، جمال الدین بن یوسف انصاری؛ معنی اللیب؛ قم: مکتب آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن عقیل، عبد الله بن عقیل العقیلی؛ شرح ابن عقیل؛ مصر: المکتبۃ التجاریة الكبرى، ۱۳۸۴ ق.
۶. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۷. أشمونى، احمد بن محمد؛ انصارى، زکریا بن محمد؛ منار الهدى فى بیان الوقف و الابتدا و معه المقصد لتاخیص ما فى المرشد؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۸. الهی قمشهای، مهدی؛ ترجمه قرآن؛ قم: انتشارات فاطمة الزهراء، ۱۳۸۰ ش.
۹. انصاریان، حسین؛ ترجمه قرآن؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. بدیع یعقوب، امیل؛ موسوعة النحو و الصرف و الاعراب؛ تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۲۸ ق.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن؛ قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. جاحظ، عمرو بن بحر؛ الحیوان؛ قاهره: شرکة مکتبۃ، ۱۳۸۴ ق.
۱۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. جواهری، سید محمد حسن؛ روش شناسی ترجمه قرآن کریم؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. حداد عادل، غلامعلی؛ ترجمه قرآن کریم؛ مشهد: به نشر، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. خر مشاهی، بهاء الدین؛ ترجمه قرآن؛ تهران: دوستان، ۱۳۹۲ ش.
۱۹. درویش، محیی الدین؛ اعراب القرآن و بیانه؛ سوریه: دارالارشاد، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالعلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران؛ ترجمه قرآن؛ قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگى دار الذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. أسترابادی، محمد بن حسن؛ شرح الرضى على الکافیة؛ تهران: مؤسسه الصادق (ع)، ۱۳۹۵ ق.
۲۳. زمخشری، جارالله محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ لبنان: دار المعرفة، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. سیبویه، عمرو بن عثمان بن قنبر؛ الکتاب؛ قاهره: مکتبۃ الخانجی، ۱۳۷۵ ق.
۲۵. شاطبی، ابواسحاق ابراهیم؛ الموافقات؛ عربستان: دار ابن عفان، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. صافی، محمود بن عبد الرحیم؛ الجدول فی اعراب القرآن؛ دمشق: دار الرشید، ۱۴۱۸ ق.
۲۷. صفارزاده، طاهره؛ ترجمه قرآن؛ تهران: موسسه فرهنگى جهان رایانه کوثر، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۲۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۳۰. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ *مجمع البحرین*؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. عکبری، عبدالله بن حسین؛ *التبیان فی اعراب القرآن*؛ عمان: بیت الافکار الدولية، بی تا.
۳۲. فارسی، جلال الدین؛ *ترجمه قرآن*؛ تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۹ ش.
۳۳. فولادوند، محمد مهدی؛ *ترجمه قرآن*؛ تهران: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد؛ *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*؛ قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. مجتبی، سید جلال الدین؛ *ترجمه قرآن*؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ ش.
۳۶. مشکینی، علی؛ *ترجمه قرآن*؛ قم: الهادی، ۱۳۸۱ ش.
۳۷. معرفت، محمد هادی؛ *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی (ع)، ۱۴۲۵ ق.
۳۸. _____؛ *التمهید فی علوم القرآن*؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۳۲ ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ *ترجمه قرآن*، قم: دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
۴۰. موسوی همدانی، سید محمد باقر؛ *ترجمه تفسیر المیزان*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.